



اصول کلی تعلیم و تربیت حاکم بر برنامه زبان آموزی پیش از دبستان

سپیده یوسفی^۱، ثنا نجفی^۲

۱- دانشجو معلم رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تبریز

۲- دانشجو معلم رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تبریز

چکیده

برنامه ریزی، تولید مواد، اجرا و ارزشیابی برنامه زبان آموزی دوره پیش دبستانی مانند هر برنامه آموزشی دیگر تابع مجموعه ای از اصول کلی است که با پرتوافکنی بر کل برنامه موجب انسجام اجزای آن خواهد شد. این اصول باید براساس سیاست های آموزشی و فرهنگی کشور، ارزش های حاکم بر جامعه، یافته های علمی چون زبان شناسی تربیتی، روانشناسی رشد کودک، روانشناسی یادگیری، روانشناسی تربیتی باشد. برخی از این اصول سهم بسزایی در رشد و پیشرفت زبان آموزان دارد. در این مقاله سعی بر آن است که همه ی اصول و ویژگی های حاکم بر حیطه ی زبان آموزی را گرد هم آورده و میزان ونحوه اثر گذاری آن هارا بررسی کنیم. بنابراین در این مقاله، ضمن اشاره به اصول حاکم بر برنامه های پیش دبستانی، اصول مهم تری مانند اصل کودک محوری، محوریت بازی، محوریت رویکرد ارتباطی و ارجحیت آن بر رویکرد دستوری و موقعیت (بنیاد) در این برنامه و لزوم تلقی برنامه زبان آموزی در قالب فرصت های یادگیری را برای کودکان به طور مبسوط تشریح خواهیم کرد. در واقع هدف از این پژوهش این است که با بررسی اصول حاکم، به برنامه ریزان، تولید کنندگان مواد آموزشی و مربیان زبان آموزی در جهت بهبود کیفیت آموزش مهارت های زبانی و ارتقای این مهارت ها در کودکان کمکی صورت بگیرد.

واژگان کلیدی: اصول کلی، تعلیم و تربیت، زبان آموزی



مقدمه

زبان آموزی یک مبحث جدی و مهم در آموزش می باشد بنابراین ما در این مقاله به اصول کلی تعلیم و تربیت حاکم بر برنامه زبان آموزی در پیش از دبستان پرداختیم. پیش از دبستان بهترین زمان برای آشنایی با زبان رسمی است؛ خصوصاً در مناطق دوزبانه یک اصل مهم شمرده شود تا زبان آموز بتواند قبل از شروع آموزش رسمی با زبان رسمی آشنایی نسبی کسب کند. بنابراین مباحث لازم را تا حدودی در اختیار قرار می دهیم. امید است کمکی ناچیز به پژوهشگران حیطه علوم تربیتی باشد.

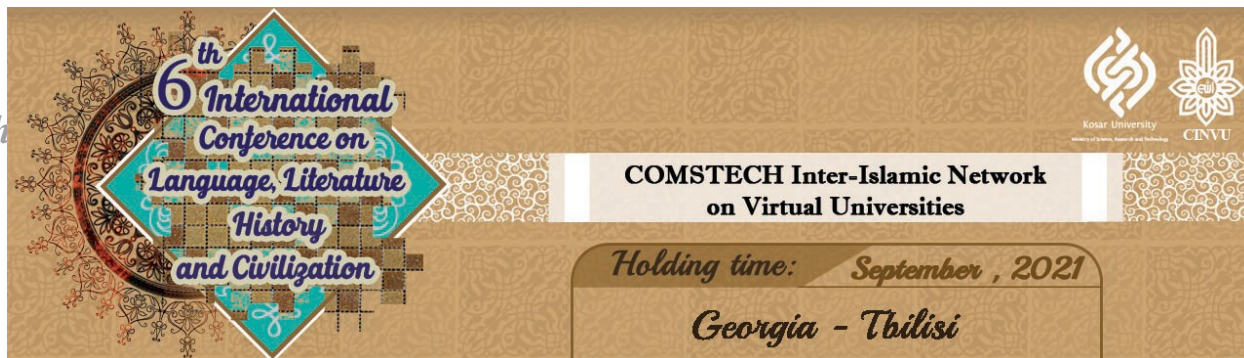
بیان مسئله

رشد زبان و گفتار، یکی از جنبه های اصلی رشد محسوب می شود. زبان ذاتا وسیله ای برای بیان تعداد نامحدودی از معانی است که از طریق نظامی محدود صورت می گیرد و نیز راهی برای ابراز خواسته ها و نیازها، تبادل اطلاعات و بیان احساسات و درک دیگران است. برقراری ارتباط با دیگران و تبادل افکار از بارزترین کارکردهای زبان است. بنابراین آموختن زبان به کودکان، به توجه و دقت مستمر و کافی نیاز دارد تا ساختار محکمی برای زبان و سخنگویی کودک فراهم آورد. آموزش پیش دبستانی یکی از متغیرهای محیطی است که نقش مهمی در رشد و پرورش همه جانبه ی کودکان دارد. وبه عقیده ی برخی از روانشناسان، زبان آموزی این دوران تحت تاثیر اصول وقواعدی می باشد که توجه و اهتمام به آن ها زمینه ای برای رشد زبانی کودکان در دوران پیش دبستانی خواهد شد این تحقیق نیز در پی پاسخگویی به این سوال است که اصول و قوانین حاکم بر حیطه ی زبان آموزی کودکان چیست؟ امید است باشناسایی و مشخص نمودن این اصول بتوان زبان آموزی دوران پیش از دبستان را غنی تر گردانید. تا کودکان با شکوفایی و رشد زبانی خود در این دوران، بتوانند در زمان ورود به مدارس ابتدایی از این لحاظ مشکلی نداشته و ارتباطات زبانی مستحکمی را برقرار نمایند.

پیشینه پژوهش

در زمینه اهمیت زبان آموزی و اصول حاکم بر این حیطه ، در دوران پیش از دبستان نظریات و تحقیقات متعددی صورت گرفته است که در زیر به برخی از این موارد اشاره خواهیم کرد.

چامسکی در مدل دستور جهانی خود که در دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح کرد و نام آن را انقلاب دوم گذاشت. معتقد است زبان انسان از مجموعه اصول و پارامترهای تشکیل شده است. این اصول شامل عناصر و قواعدی هستند که در همه زبان های بشری به صورت یکسان وجود دارد و پارامترها نیز ویژه هر زبان هستند. بنابراین کودک هنگام یادگیری زبان به طور طبیعی از یک سلسله اصول همگانی واقف است و نیاز به یادگیری تجدد آن ها ندارد و کافیت پارامترهای مربوط به زبان مورد نظر را بیاموزد. نظریه دیگر درباره زبان آموزی مربوط به ژان پیازه و سایر روانشناسان شناختی است که معتقدند رشد زبان جنبه ای از رشد شناختی کودک را به جای هدایت از فرایندهای شناختی بازتابی از آن است. در واقع رشد شناختی کودک فراگیری زبان وی را هدایت می کند. از دیدگاه پیازه رشد زبان به رشد تفکر و شناخت از جهان بستگی دارد و عکس آن



صادق نیست.

تحقیق آن لاک و جان گینسبرگ است. این تحقیق در مورد ۲۴۰ کودک ۳ تا ۷ ساله که از مهد کودک های موجود در مناطق محروم اقتصادی و اجتماعی انگلیس بودند انجام شد. نتایج آن در مورد رشد زبان کودکان نشان داد عدم حضور کودکان در مهد کودک و پیش دبستان به شرکت محدود آنها در مکالمات زبانی باعث تاخیر رشد زبانی کودکان میشود این موضوع به توانایی شناختی ضعیف آنها وابسته نیست.

آندرسون (۱۹۸۸) نیز طی مطالعاتی طولی در سوئد روی ۱۱۹ کودک یک تا هشت ساله دریافت، کودکانی که از یک سالگی وارد مهد کودک شدن در مقایسه با کودکانی که در سنین بعدی وارد شده اند یا در خانه مراقبت می شدند به طور معناداری در آزمون های شناختی و زبان نمرات بالاتری می گرفتند و رتبه های بهتری را از مریدان شان دریافت می کردند.

لویکا مارجانویک و همکارانش در تحقیقی به بررسی تاثیر دوره پیش دبستانی و کیفیت سطح سواد والدین بر رشد زبان کودکان پرداختند نتایج این تحقیق در مورد ۱۶۲ کودک نشان داد کودکانی که در یک سالگی وارد مهد کودک شده اند مهارت زبانی بهتری در قصه گویی نسبت به کودکانی که داشتند که در سه سالگی وارد پیش دبستانی شده بودند. همچنین این تحقیق نشان داد یک مرکز پیش دبستانی با کیفیت بالا می تواند تاثیر شگرفی بر مهارت های زبانی کودکان بگذارد که والدین آنها دارای سواد کمتری هستند.

مطالعات بلوم، هانت، کلاس و سوزان گری، انتو ایزل و همکاران، همگی نشان دادند که آموزش های دوره پیش از دبستان باعث تقویت و تسریع رشد زبان کودک می شود.

هدفه اصل کلی حاکم بر برنامه زبان آموزی پیش از دبستان

۱- پرورش باید بر آموزش مقدم باشد.

آیات و روایات بر تربیت اسلامی تاکید می کنند، تا حدی که این مسئله جزء اهداف اصلی بعثت انبیاء مطرح شده و از آنجایی که خداوند متعال به انسان اختیار داده و موجودی قابل رشد در جهت کمال یا سقوط می باشد، انبیاء را برای سعادت او فرستاده است.

آموزش و پرورش باید نیروی انسانی مناسب با ارزش های دینی و تربیتی را تقویت و تربیت کند. رتبه پرورش مقدم بر آموزش بوده و دلیل آن روشن و واضح است زیرا با آموزش، انسان می تواند توانمندی هایی را پیدا کند ولی اگر انسان از لحاظ تربیتی و پرورشی اصلاح نشده باشد و نتواند جلوی هواهای نفسانی و توقعات نفسانی را بگیرد، این قدرت و توانایی در خدمت اهداف انسانی قرار نخواهد گرفت.



۲- به بهداشت جسمی و روانی کودک توجه شود.

بهداشت روانی مطلوب، این امکان را به بچه ها می دهد که به روشنی اندیشیده، از نظر اجتماعی رشد کنند و مهارت های جدیدی را فرا بگیرند. بنابراین باید:

اعتماد و عزت نفس بچه ها را پرورش دهید. -اهداف واقع بینانه را در نظر بگیرید.
از سخنان طعن آمیز و نیشدار پرهیزید. -وقتی برای بازی اختصاص دهید.
راهنمایی کنید. -در باره احساسات تان سخن بگویید و...

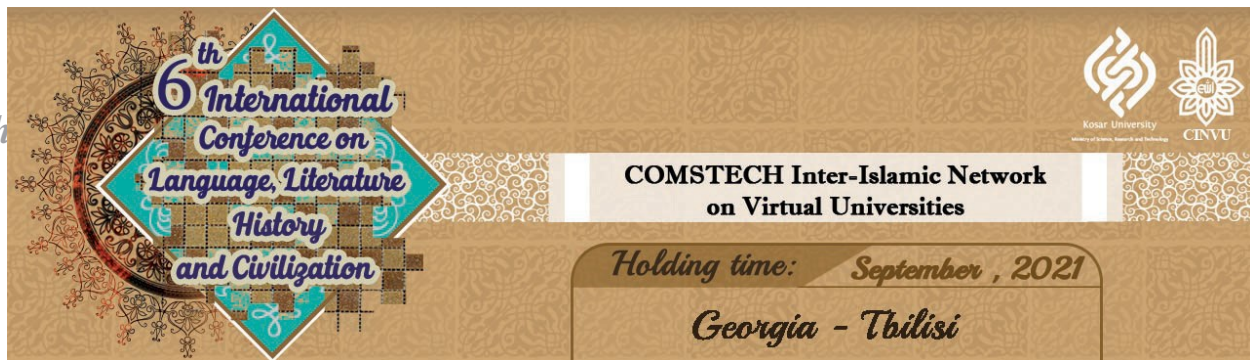
در مورد بهداشت جسمانی استفاده از آب سالم، نوشیدنی مناسب، غذای کم حجم و مغذی و آموزش برای بهداشت فردی و نظارت بر آن، جلوگیری از انتقال بیماری های واگیر مهم ترین نکاتی هستند که کمک می کنند بچه ها روزهای کمتری را به دلیل بیماری غیبت کنند و بتوانند از تمام آموزش ها به صورت گروهی بهره ببرند.

۳- تفاوت های فردی کودکان مورد توجه قرار گیرد.

یکی از پدیده های طبیعی مشهود در تمام ساختارهای جوامع انسانی وجود تفاوت است. یک نظام آموزشی سالم، انسانی و کارآمد این تفاوت ها را به شکل طبیعی از توانایی ها و قابلیت ها دریافت و ادراک می کند. وجود تفاوت های فردی در میان دانش آموزان از نظر هوش، شخصیت، استعداد، پیشرفت تحصیلی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و قدرت یادگیری مطالب و... یکی از مهمترین مسائلی است که معلمان در کلاس های خود با آن مواجه هستند چرا که معلمان به تجربه دریافته اند که شیوه برخورد و پیروی از یک روش تدریس خاص نمی تواند برای همه دانش آموزان به طور یکسان مفید باشد. یادگیرندگان مختلف با سرعت های متفاوت می آموزند. روش آموزش معلم باید به گونه ای طرح ریزی شود که دانش آموزان بتوانند با سرعت متناسب با توانایی های خود پیش بروند. بعضی از یادگیرندگان نیاز به توجه و کمک بیشتری از سوی معلم دارند و لازم است تکالیف و تمرین های بیشتری انجام دهند تا به هدف های آموزشی درس مسلط گردند، در حالی که برخی از آنها با اندک راهنمایی می توانند راه خود را بیابند و سریعاً به مقصد برسند. معلم باید در اجرای روش های آموزشی خود تفاوت های فردی دانش آموزان را در توانایی و سرعت یادگیری در نظر گیرد و فنون آموزشی متناسب با آنها را مورد استفاده قرار دهد بنابراین وجود تفاوت های فردی ایجاب می کند که در مورد هر کسی از روشی مناسب با روحیه او استفاده شود و اگر روشی درباره فردی یا افرادی کارساز بود آن را به همه با خصوصیات متفاوت تعمیم نداد و از برخوردهای کلیشه ای در تعلیم و تربیت پرهیز کرد.

۴- پرورش خلاقیت، قوه ابتکار و تخیل کودکان مورد توجه قرار می گیرد.

خلاقیت کودکان باعث می شود تا آنها بتوانند هنگام رو به رو شدن با چالش ها از راه های متفاوتی استفاده کنند. کودکی که دارای خلاقیت است می تواند ارزش ایجاد کند. به این معنا که با هوش خلاق خود توانایی به وجود آوردن آثاری ارزشمند را



خواهد داشت. برخی عواملی که در داشتن تفکر خلاق موثر هستند شامل هوش، توانایی بدنی، استعداد و علاقه‌های متنوع می‌باشد که کاملاً ژنتیکی و انتسابی است. نوع تربیت در شکل‌گیری تفکرات خلاقانه کودک نقش دارد. به طور کلی کودکان از همان ابتدا رگه‌های هوش و خلاق بودن خود را نشان می‌دهند اما معمولاً تمرکز و توجه برای آن‌ها سخت است. در سن ۵ سالگی به دلیل افزایش تمرکز، تکمیل زبان و تقویت مهارت‌های جسمی، کودک به اوج تفکر خلاق می‌رسد.

۵- حواس پنجگانه کودکان از جمیع جهات پرورش یابد.

یکی از روش‌هایی که برای آموزش حواس پنج‌گانه به کودکان پیش‌دبستانی و تقویت حواس در آن‌ها بکار گرفته می‌شود استفاده از بازی‌های آسان و سرگرم‌کننده در خانه است

انواع بازی‌ها برای تقویت حواس پنجگانه

۱- بازی با آب یا ماسه: برای آموزش حس لامسه به کودکان پیش‌دبستانی می‌توان از آب یا ماسه کمک گرفت. می‌توانید اشیای مختلف را در ماسه پنهان کرده و از کودک بخواهید آن‌ها را پیدا کند یا بدون نگاه کردن بتواند اشیایی که درون ماسه قرار دارد را بشمارد.

۲- چشم‌بندی: برای کمک به تقویت حس بینایی، می‌توانیم از کودک بخواهیم چشم‌هایش را ببندد و توضیح دهد دنیا بدون حس بینایی برایش چگونه است. کودک را تشویق کنید با چشم‌های بسته در یک محیط امن خانه راه برود و تجربه‌اش را بیان کند. همچنین می‌توانیم از کودک بخواهیم با چشمان بسته صورت یکی از دوستانش را لمس کند و سعی کند حدس بزند که او کیست. بازی نورافکن یکی دیگر از بازی‌های تقویت حواس بینایی در کودک است که از او خواسته می‌شود تا با چراغ‌قوه‌ای که در دست دارد اشیای مختلف را در یک اتاق تاریک پیدا کند.

۳- بو کردن عطرها: بو کردن عطرها یک بازی حواس پنج‌گانه کودکان است که جهت تقویت حس بویایی کودک مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این بازی از کودک خواسته می‌شود تا عطرها را بو کرده و سپس در مورد هر یک از آن‌ها و عطری که دوست داشته صحبت کند. بو کردن گیاهان تازه نیز به تقویت حس بویایی در کودک کمک می‌کند بنابراین از او بخواهید تا نعنا، اسطوخودوس، ریحان یا جعفری را بو کرده و از طریق بو به تفاوت آن‌ها پی ببرد.

۴- نواختن ساز: برای آموزش حس شنوایی در کودک و تقویت آن می‌توانید از سازهای مختلف استفاده کنید. شما می‌توانید صدای سازهای مختلف را برای کودک پخش کرده و از او بخواهید تا نام ساز را حدس بزند. همچنین می‌توان صدای شخصیت‌های مختلف تلویزیونی را برای کودک گذاشته و از او بخواهید نام شخصیت را حدس بزند.

۵- مسابقه غذاخوری: یکی از بازی‌هایی که برای آموزش حس چشایی کودک انجام می‌شود مسابقه غذاخوری است. در این بازی ابتدا چشمان کودک را می‌بندیم و سپس از او می‌خواهیم تا با چشیدن غذاها نام آن‌ها را حدس بزند. برای همه مسلم است که شناسایی و تقویت حواس در کودکان به آن‌ها کمک می‌کند تا دنیا را بهتر درک کرده و عملکرد



بهتری در برابر آن داشته باشند. به این دلیل آموزش حواس پنج گانه به کودکان پیش دبستانی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و نباید از آن غافل بود.

۶- تربیت شخصیت و رشد کودکان به طور همه جانبه مورد توجه قرار گیرد.

دوره پیش از دبستان یکی، از پر مشغله ترین و یکی از حساس ترین برهه های زندگی کودک است. دورانی که بنا به حدیث نبوی، از یک تا هفت سالگی دوران امیری کودک است. از دیدگاه دین، کودک تا هفت سال اول زندگی سید و سرور است و به تعبیر رسول گرامی اسلام (ص) هم از این مرحله تربیتی «سیادت کودک» است. این دوره که سن خوشی و بازی کودک است، از زمان تولد شروع می شود. کودک در اوایل زندگی هنوز دنیای خود را نمی شناسد و به طور کامل با آن در ارتباط نیست. او نمی تواند کارهای شخصی خود را انجام دهد و از این جهت به سن رفع نیازها هم تعبیر می شود.

عوامل متعددی در تربیت و شکل گیری شخصیت کودکان دخالت دارد که یکی از عوامل، عامل وراثت است و دیگری عامل محیطی است که عبارت است از: والدین، هممیان، مدرسه، دوستان و رسانه ها.

در ابتدا عامل خانواده و والدین است. زیرا اثرگذاری والدین به دلیل جایگاه ممتاز، تعامل بیشتر و نخستین مربی مرتبط با کودک، بیشتر از سایر عوامل اجتماعی است. خانواده مقتدر بهترین نوع خانواده ها و بهترین الگوی تربیتی است.

۷- آموزش ها با ویژگی های بدنی، ذهنی، و روانی کودکان متناسب باشد.

جدول ۱: ویژگی های بدنی، ذهنی و روانی کودکان

ویژگی روانی	ویژگی ذهنی	ویژگی بدنی
۱_ عواطف خود را آزادانه و آشکارا ابراز می کنند.	۱_ خودمداری از ویژگی های این دوره می باشد	۱_ کودکان در این دوران پرجنب و جوش، دارای ماهیچه های بزرگ، رشد کنترل بدنی، انرژی فراوان و... هستند
۲_ کودکان به علت روبه رو شدن با موقعیت های بسیاری که بیشتر آن ها نیز تازگی دارد و نیز به دلیل قوه تخیل فعال ممکن است ترس های زیادی داشته باشد.	۲_ مهارت کاملی در زبان دارند.	۲_ ماهیچه های بزرگ رشد یافته تر از ماهیچه های انگشتان و دست ها است.
۳_ حسادت در بین آن ها تقریباً عادی است	۳_ قدرت تخیل و خلاقیت به اوج می رسد.	۳_ تمرکز برای اشیای کوچک برایشان مشکل است.
	۴_ رشد گویایی در این دوره بسیار سریع است.	۴_ استخوان های محافظ مغز هنوز در هستند.
	۵_ سخن گویی کودک از نظر محتوا به دو صورت تکلم خود مدار و تکلم اجتماعی شده انجام می شود.	۶_ پسرها درعین رشد جسمانی بیشتر و جنه بزرگ تر، در خوردن با کوچک دیر تر از دخترها



		<p>به مهارت می‌رسند و اغلب عادت به استفاده از یکدست دارند نود درصد دسته راست</p> <p>۲. نمی‌توانند به مدت طولانی ساکت و آرام بنشینند</p>
--	--	---

۸- شناخت علمی، محیط طبیعی و اجتماعی در کودک فراهم شود.

شناخت اجتماعی به کودک کمک می‌کند تا از چگونگی ارتباط با مردم، لذت بردن از روابط اجتماعی و روش حفظ این روابط را بیاموزد. با قرار گرفتن در کنار دیگران و برقراری ارتباط، احساس ارزشمند بودن در او قوت می‌گیرد و در نتیجه اعتماد به نفسش افزایش می‌یابد. همچنین در سایه توسعه ارتباطات اجتماعی دوستانی پیدا می‌کند، در فعالیت‌های گروهی شرکت می‌جوید و با بسیاری از قوانین اجتماعی (رعایت نوبت، احترام گذاشتن به حقوق دیگران، رعایت قوانین در بازی‌ها و...) آشنا می‌شود.

یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار در بروز رفتارهای کودکان پس از عامل ذاتی و درونی، محیط و عوامل محیطی می‌باشد. اهمیت و تاثیر محیط به اندازه‌ای است که می‌تواند از یک فرد عادی یک شخصیت ممتاز و استثنائی بسازد.

پیاژه در سال‌های ۱۲۲۱ به این نتیجه رسید که کودکان در مقایسه با بزرگسالان جهان را به طور دیگری می‌بینند. کودکان محیط پیرامون خود را تغییر می‌دهند تا وضعیت خودشان را بهبود بخشند بنابراین فراهم کردن فرصتی که کودکان محیط طبیعی را بشناسند و شناخته‌های خود را از طریق نقاشی و مصاحبه و... برای مابازگو کنند بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

۹- زمان برنامه آموزشی با توان جسمی و محدودیت‌های تمرکز توجه کودک هماهنگ شود.

۱۰- برنامه و مواد آموزشی متناسب با نیازهای امروز و آینده کودک باشد.

مواد درسی باید متناسب با نیازهای کودک و جامعه بوده و جنبه کاربردی داشته باشد. پی بردن به نیازهای دانش آموزان، از طریق انجام نیازسنجی علمی و دقیق، راهگشای خوبی برای آموزش و پرورش است. تحقیقات نشان می‌دهند که در تعلیمات ابتدایی، نیازهای علمی به درستی رعایت نشده، جنبه کاربردی ندارند و منجر به تحول عملی در شخصیت کودک نمی‌شوند.

۱۱- ارزشهای فرهنگی و اجتماعی جامعه و معرفی اسوه‌هایی مانند پیامبر(ص) با زبان کودکانه مدنظر

قرار گیرد.

یکی از اهداف آموزش و پرورش آشنا نمودن دانش آموزان با معارف دینی می‌باشد: در این دوره، باید دانش آموزان را



متناسب با هوش و توانایی هایشان با رموز خلقت، زندگی پیامبران، ائمه معصومین و آیه های ساده قرآن آشنا نمود. در آموزش این مسائل، باید با ساده گویی و ارائه مثال های عینی، اقدامات لازم انجام گیرد.

۱۲- برنامه ها از انعطاف کافی برای هماهنگ شدن با شرایط متفاوت فردی، مکانی (شهر-روستا) و زبان (تفاوت های گویش و لهجه ای) برخوردار باشند.

تفاوت های درون فردی و بین فردی. انسانها دارای توانایی های یکسانی نیستند. معلمان باید با توجه به ویژگی های فردی (درون فردی) و متفاوت انسانها (بین فردی)، از قبیل آموزش برنامه ای و یادگیری در حد تسلط، به آموزش انفرادی روی بیاورند.

۱۳- روش های یاددهی-یادگیری اولاً بر اساس مشارکت کودکان سازماندهی شوند ثانیاً موجب تقویت خودآموزی و یادگیری مستقل در آنها شوند.

اهداف عمومی محتوا در برنامه درسی پایه ابتدایی

- کودکان را قادر سازد تا بتواند به عنوان یک کودک زندگی کنند و به آنان کمک نماید تا استعداد های خود را به عنوان یک انسان بی نظیر نمایان سازد،

- به کودکان کمک نماید تا در ضمن زندگی و تعامل همکارانه و همیارانه با دیگران به عنوان یک موجود اجتماعی رشد یابد و به عنوان یک شهروند خوب سهیم باشد.

۱۴- روح همکاری با دیگران، عادت به رعایت نظم و ترتیب، احترام به قوانین اجتماعی و مشاهده دقیق محیط پیرامون خود در کودکان دمیده شود.

۱۵- برنامه ها کودکان را به مدرسه، گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن و به طور کلی استفاده از زبان فارسی و کاربرد صحیح عناصر آن علاقه مند کند.

اهداف خاص محتوا در دوره ابتدایی

- کودکان را قادر سازد تا از طریق کسب دانش، مفاهیم، مهارتها، نگرشها و قدرت تفکر انتقادی درک صحیحی از جهان داشته باشند.

- برنامه درسی باید این فرصت را به دانش آموزان بدهد تا یاد گرفته های خود را در موقعیتهای جدید بروز داده و در برخورد با چالش های پیش رو به کار گیرند،

- به دانش آموز کمک کند تا از طریق توسعه نگرش های مثبت در خود در خصوص یادگیری و آموختن مهارت های یادگیری مستقل، بتوانند در هر موقعیت یاد بگیرند،

- ارزش های دینی، مذهبی، روحی و اخلاقی را در کودکان پرورش دهد،

- به کودکان کمک نماید تا مهارت های نوشتن، مهارت های ارتباطی و... را یاد بگیرد،



- کودکان را آماده نماید تا به فرهنگهای دیگر احترام گذاشته، یک شهروند مسئول باشد و ابعاد اجتماعی زندگی را درک نماید.

- به آنان کمک کند تا بتوانند درک جامعی از جهان داشته و ارتباط بین اجزاء آن را بفهمند.

۱۶- به آموزش مریبان توجه کافی شود و برنامه های آموزشی مداومی برای آنها در نظر گرفته شود.

معلم نقش بنیادی در تمام مراحل برنامه ریزی درسی دارند. در تدوین محتوا، شناخت نیاز کودک و در اجرای موفق برنامه می تواند اثرگذار باشد. در سال ۱۳۱۳ نظام نوین آموزشی ایران گسترش پیدا کرد، دانشسرا و تربیت معلم در ایران، به نام " دارالمعلمین " و " دارالمعلمات " و سپس دانش سرای مقدماتی تأسیس شد.

۱۷- روحیه خود ارزیابی در کودک تقویت گردد.

اولین ملاک گزینش مواد درسی، اهداف تعلیم و تربیت می باشد. یکی از اهداف آموزش و پرورش، شکوفایی استعدادهای عمومی است.

برنامه های درسی باید با مراحل رشد کودک هماهنگ باشند. کودک در این دوره، ویژگیهای جسمی، روانی، عاطفی و فکری خاصی داشته و تفکر محسوسی دارد. مواد درسی این دوره، باید با توجه به میزان رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودک برگزیده شود، متناسب با مدت تحصیل وی باشد و به اندازه کافی انعطاف پذیر باشد تا معلم بتواند در انتخاب روش و رعایت ویژگیهای فردی دانش آموز، فعالیت درستی انجام بدهد. معلم باید در انتخاب مواد درسی، دانش و مهارت ها آزاد باشد تا بتواند، ویژگیهای فردی دانش آموزان را در نظر بگیرد.

اصول شش گانه حاکم بر برنامه زبان آموزی پیش از دبستان

در طراحی برنامه زبان آموزی می توان از یکی از الگوهای موضوع محور و کودک محور که هر کدام بر اساس منابع اطلاعاتی متفاوت بنا شده اند استفاده کرد. با انتخاب هر یک از این دو الگو عوامل و عناصر تشکیل دهنده برنامه زبان آموزی دچار تغییراتی می شود اما در هر حال زبان شناس تربیتی که مسئولیت طراحی برنامه زبان آموزی را بر عهده دارد باید تلاش کند برنامه را طوری سامان دهد که دارای درجه مناسبی از همخوانی درونی باشد اثر گذاری مطلوب بر کودکان کارایی مناسب را به دنبال داشته باشد در صورتی که این امر به خوبی رعایت نشود برنامه زبان آموزی گنگ و نامفهوم خواهد شد و از درجه ی کارآمدی آن به شدت کاسته خواهد شد.

الگوی موضوع محور

در الگوی موضوع محور موضوعات درسی مدون معمول ترین و رایج ترین، منبع اطلاعاتی برای طراحی برنامه های زبان آموزی به شمار می رود در این الگو برنامه زبان آموزی از پیش برای زبان آموزان مشخص و به عنوان مجموعه ای که دارای سازماندهی منطقی است با آنها ارائه می شود ایراد اساسی این الگو در این نکته نهفته است که تاکید بیش از حد بر آموزش



حجم معینی از محتوای درسی درک و فهم مطالب از طرف کودک را تحت شعاع قرار داده و جریان زبان آموزی را به یک جریانی مکانیکی تبدیل می کند.

۱- الگوی کودک محور:

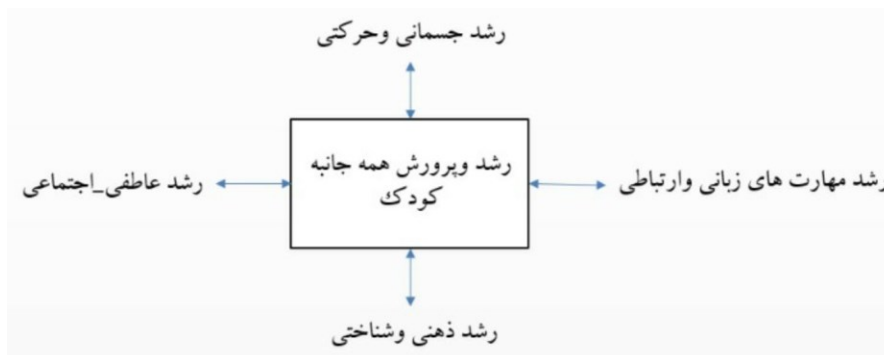
در این الگو نیازها و علایق توانمندی‌ها و تجربه‌های گذشته کودک و راهی را که او در آینده باید در جامعه طی کند به عنوان مبنای تصمیم‌گیری درخصوص عناصر برنامه زبان آموزی مد نظر قرار می‌دهند الگوی کودک محور بیشترین انعطاف پذیری را دارد و محتوای زبان آموزی بر پایه علایق کودکان و تجربیات آنها انتخاب می‌شود مواد و ابزارهای آموزشی نیز در قالب نیازهای کودکان تعریف می‌شود در این الگو مربی نقش ناظر و تسهیل‌کننده یادگیری را ایفا می‌کند خود ارزشیابی به عنوان یک جریان با اهمیت در این الگو مطرح است زمانبندی تابع شرایط واقعی کلاس خواهد بود فضای آموزشی هم محدود به کلاس نیست. با درپیش گرفتن الگوی کودک محور، توجه به تفاوت‌های فردی کودکان امکان بیشتری می‌یابد از مهمترین این تفاوت‌ها می‌توان از تفاوت بین کودکان فارسی‌زبان و مناطق غیر فارسی‌زبان یاد کرد

۲- اصل محوریت رویکرد کل نگر در دوره پیش دبستانی:

اصل محوریت رویکرد کل نگر در دوره پیش دبستانی پسندیده ترین رویکردی است، که تقویت مهارت‌های زبانی و ارتباطی کودکان را در قالب پرورش کل شخصیت آنها در نظر می‌گیرد. تبیین رویکرد آموزش و پرورش به رشد کلی و همه‌جانبی کودک متمرکز است این رویکرد مستلزم نگاهی همه‌جانبه آن به آموزش کودک و فراهم آوردن محیط غنی و شوق‌انگیز برای یادگیری است مهارت‌های زبانی و ارتباطی یعنی گفتن گوش کردن، مقدمات خواندن و نوشتن، که اصطلاحاً مهارت‌های تحصیلی بنیادی نیز نامیده می‌شوند باید همگام و همراه با مهارت‌های فردی برنامه ریزی شود هیچ یک از آنها بر دیگری اولویت ندارد. دیدگاه همه‌جانبه نگر بر اصل پرورش تمام جنبه‌های شخصیت کودک استوار است طبق این اصل میان جنبه‌های رشد جسمی، اجتماعی، شناختی و زبانی کودک ارتباط مستحکمی برقرار است و نمی‌توان آنها را از هم تفکیک کرد. در این رویکرد مریبان بهتر است به جای برنامه ریزی آموزش جداگانه سعی کنند برای همه این زمینه‌ها به طور همزمان برنامه ریزی کنند.

دیدگاه آلن و هارت در مورد محوریت رویکرد کل نگر در دوره پیش دبستانی

آلن و هارت در این زمینه مثال جالبی ذکر کردن مربی می‌تواند به منظور ایجاد فرصتی برای آموزش‌های شناختی مربوط به مفهوم سبز یک فعالیت گروهی طراحی کند. وی می‌تواند در زمینه آموزش زبان، فرصت‌های متعددی به وجود آورد که در آن کودکان کلمه سبز را بارها بر زبان آورند. مثلاً شعری را که واژه سبز در آن وجود دارد همخوانی کنند، ضمن لمس کردن اشیای سبز رنگ نام آنها را یاد بگیرند، درباره خواص و ویژگی‌های میوه‌های سبز رنگ مثل فلفل سبز و خیار بحث کنند.



شکل ۱: ارتباط حیطه ها برای رشد همه جانبه کودک

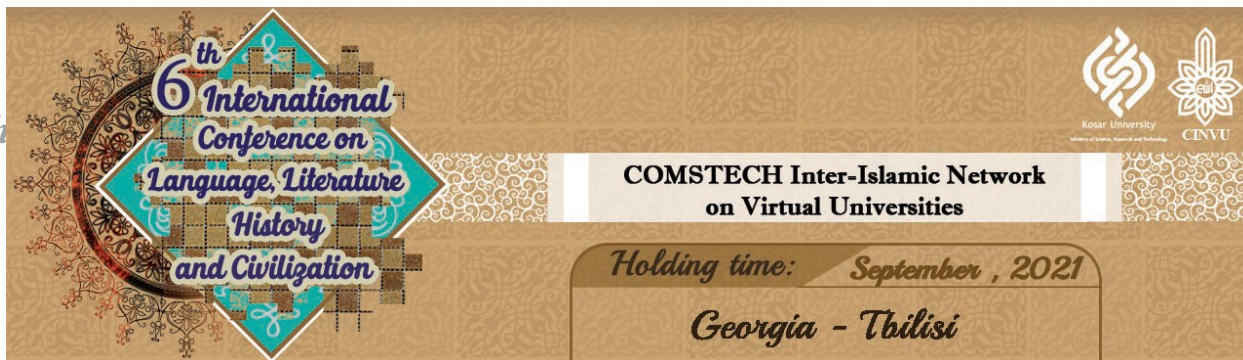
۳- اصل انعطاف پذیری برنامه (برنامه ریزی و سازماندهی پویا):

رویکرد تلفیقی برنامه سازماندهی پویا و آزادی کودک ابعاد پنهان آموزش را که در تفاوت های فردی به زمینه های خودانگیخته و پایدار شخصیت کودک ریشه دارد بر آموزش از پیش طراحی شده می گشاید. این رویکرد رویه تعصب دستیابی به استاندارد هایی که به دلایلی آنها را برای کودک ضروری می دانند در هم می شکند. درحقیقت توجه به کنش فکری و عملی و رغبت کودک از یک سو و ضرورت یادگیری مهارت های مختلف از جمله مهارت های زبانی ارتباطی برای زندگی در دنیای امروز و آمادگی برای زندگی فردا از سوی دیگر ایجاد می کند که برنامه زبان آموزی در قالب برنامه کلی پیش دبستانی بالاترین ظرفیت ها را در موارد زیر داشته باشد:

الف) انعطاف پذیری برنامه و حفظ استانداردهای علمی پذیرفته شده در برنامه ریزی. ب) توجه به توانایی عموم کودکان نیازهای یادگیری آنها (ج) هدایت یادگیری کودکان ضمن فراهم سازی فرصت های برای خودگردانی استقلال و آزادی عملی آنها. د) فراهم کردن فرصت های متنوع یادگیری مهارت های زبانی و ارتباطی به تضمین کیفیت در این فرصت ها.

ژان شاتو در کتاب مریان بزرگ به نقل از ژان ژاک روسو می نویسد: هیچ نوع آموزش شفاهی به کودکان ندهید بلکه بگذارید از طریق تجربه به آن دست یابد و یا آنها را آزاد بگذارید تا به دلخواه در بازی ها شرکت کنند که انرژی خود را در این راه مصرف نمایند. به اعتقاد روسو آموزش و پرورش باید امکان رشد طبیعی را برای کودک فراهم سازد و تربیت وقتی حدی خواهد بود که طبیعت به نیروها و امیال کودک فرصت دهد که به سرعت رشد نمایند و باید از هرگونه دخالت خودداری کرد.

البته روسو معتقد بود این آزادی باید به نوعی از قبل سازمان یابد و به وسیله مربی تنظیم شود. در واقع منظور رسوا از آزادی این نیست که کودک مورد نیاز به انجام هر کاری باشد بلکه آزادی نیاز به پیروی از قانون دارد بدین طریق به قدر کافی آزادی عمل به کودکان می دهیم تا در آن تجربه کنند در حالی که به جای ساختن کودک به گونه ای تحمیلی او را رها می کنیم تا خود خویشتن را بسازد اما بدون آنکه متوجه شود از او مراقبت می نمایم و او را تحت نظارت قرار می دهیم.



فرید ریک ویلهلم فروبل در این خصوص معتقد بود زمانی احترام بر فردیت هر کودک باید برنامه درسی سازمان یافته و منظمی در سیستم آموزشی پیش بینی کرد تا پیشرفت گام به گام کودک از طریق موضوعاتی که برای رشد وی لازم هستند میسر شود. متخصصان آموزشهای پیش دبستانی بر این اعتقادند که باید میان آموزش از پیش طراحی شده از یک سو و یادگیری و خودانگیخته کودک از سوی دیگر ارتباط مستحکمی برقرار کرد:

۴- اصل تلقی برنامه زبان آموزی به عنوان تدارک فرصتهای یادگیری:

در آثار مربوط به زبان آموزی و آموزشی زبان تلقی از اصطلاح برنامه‌ای متفاوت است.

۱- برنامه زبان آموزی به عنوان فهرست رئوس مطالب درسی: از این دیدگاه برنامه زبان آموزی شامل فهرستی از مطالب است که مربی باید در قالب کتاب به کودکان تدریس کند بدیهی است این تلقی از مفهوم زبان آموزی بسیار محدود است.

۲- برنامه زبان آموزی به عنوان تجربیات یادگیری (چگونگی یادگیری): این مفهوم زبان آموزی شامل تجربیاتی است که کودک طی آنها مواد درسی سازمان یافته را مورد استفاده قرار می‌دهد از این دیدگاه برنامه زبان آموزی ترکیبی از تمام تجربیاتی است که کودکان با راهنمایی مربی خود بدست می‌آورند و باید به تمام عناصر موجود در تجربه زبان آموزان متکی باشد به نحوی که وسایل آموزشی را با هدف‌های آموزشی هماهنگ سازد.

۳- برنامه زبان آموزی به عنوان نتایج یادگیری: در این دیدگاه بر خلاف دیدگاه دوم برنامه زبان آموزی به آنچه که کودکان در موقعیت یادگیری انجام می‌دهند مربوط نیست بلکه متوجه دستاورد یا نتایجی است که آنها از فعالیت‌های خود کسب می‌کنند از این نظر برنامه زبان آموزی به نتایج اهمیت می‌دهد نه آنچه اتفاق می‌افتد.

برنامه زبان آموزی به عنوان فرصت‌هایی برای یادگیری مهارت‌های زبانی مسلم است که فهرست رئوس مطالب درسی تجربیات یادگیری و نتایج این تجربیات هر سه در امری زبان آموزی نقش‌های مهمی برعهده دارند اما منحصر کردن مفهوم برنامه به این سه مقوله موجب دور شدن ما از ماهیت و هدف اصلی برنامه زبان آموزی خواهد شد چراکه مسلماً برنامه زبان آموزی به قصد تسهیل یادگیری مهارت‌های زبانی تهیه می‌شود و بنابراین بهتر است که آن را به عنوان مجموعه‌ای فرصت‌هایی تعریف کنیم که طرح‌ریزی می‌شوند تا امر زبان آموزی تحقق یابد این تعریف نه تنها اهداف یا نتایج مورد انتظار محتوا و مواد یادگیری و تجربیات یادگیری زبانی کودکان را شامل می‌شود بلکه چگونگی ارائه محتوا و اجرای فعالیت‌های یاددهی یادگیری و ارزیابی آموخته‌های زبان آموزان را هم دربرمی‌گیرد بدین ترتیب می‌توان برنامه زبان آموزی را دستور کار آموزش مهارت‌های زبانی دانست.

۵- اصل محوریت بازی و فعالیت‌های عملی در برنامه زبان آموزی:

تقریباً تمام ساعات بیداری کودکان خردسال صرف بازی می‌شود و بیشتر تجارب کودکان از نظر خود خود آنها جزئی از بازی است^۱ به گفته‌ی میشل منتنی از فلاسفه دوران رنسانس که در عقاید فلاسفه و مربیان بعد از خود به ویژه ژان ژاک روسو



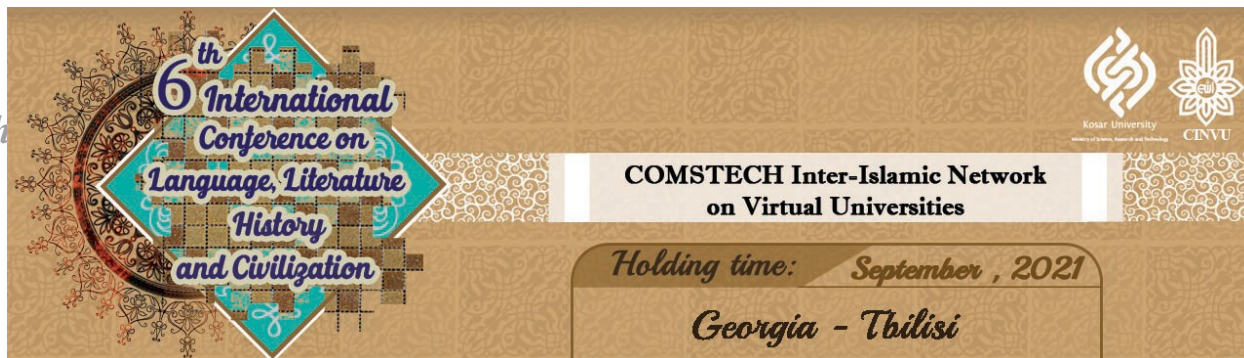
تأثیر بسزایی داشته است بازی کودکان تفریح نیست و در حقیقت باید آن را جدی ترین کار ایشان دانست کودکان قادر نیستند آنچه را که فکر می کنند و می بینند به خوبی شرح دهند توجه به بازی آن ها کمک می کند تا ما زبان آن ها را بهتر بفهمیم و از منویات آن ها آگاه شویم در واقع بازی خمیرمایه تفکر و زبان است نقش مهم زبان در انتقال اندیشه ها و آسان تر کردن تبادل اطلاعات بدعت جدیدی در بازی به وجود می آورد در واقع زبان محمل بازی های خلاقانه تری است که استفاده از جمله ها و کلمات برای انجام آن ها ضروری است.

فروبل معتقد است بازی وسیله ای برای ارائه پیام آموزش و پرورش در دوره پیش دبستانی است قسمتی از برنامه روزانه کودک در دوره پیش دبستانی باید طوری سپری شود که وی در بازی های آزاد شرکت کند از دیدگاه فرو به بازی نه فقط برای رشد همه جانبه کودک مفید و لازم است بلکه بالاترین مرحله رشدی وی و به عبارت بهتر بالاترین حد رشد انسان در این دوره از زندگی می باشد.

ژان پیازه نیز در این زمینه به نکات مهمی اشاره کرده است به نظر وی از آنجا که کودک از طریق تجربه فعال به بهترین وجه یاد می گیرد بازی و فعالیت باید به عنوان رویکرد اساسی آموزش و پرورش در دوران اولیه کودک مورد توجه قرار گیرد در واقع هر چه چارچوب کودک و تعامل او با جامعه متنوع تر باشد وضوح و میزان مفاهیمی که در او پرورش می یابد از جمله عناصر زبانی بیشتر و وسیع تر خواهد بود این فعالیت ها باید به منظور رشد توانایی کودکان در برقراری ارتباط کلامی و ارائه یا ابزار عقاید خود باشد.

جان لاک نیز در تعلیم و تربیت خردسالان معتقد به اصل بازی بوده است می توصیه می کرد که اسباب بازی های آموزنده در اختیار کودک قرار داده شود تا ضمن آنکه آزادانه آن ها را دست کاری می کند به تدریج ابتدا الفبا و سپس املاهای آن ها را یاد بگیرد وی هم چنین سعی داشت تا نحوه خواندن را از صورت خشک و یکنواخت زمان خود خارج کند و به صورت تفریح و سرگرمی در آورد وی کتاب های مصور و سرگرم کننده را برای کودکان مفید می دانست چون معتقد بود این نوع کتاب ها در برانگیختن قوه ابداع و ابتکار کودک مناسب هستند.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که برنامه زبان آموزی به عنوان جزئی از کل برنامه آموزش پیش دبستانی باید بر بازی و فعالیت های عملی کودک استوار باشد بازی جزو ذات کودک و تقویت کننده نیازهای فردی توانایی ها و علائق اوست بازی در واقع طبیعی ترین وسیله برای بر زبان آوردن عقاید احساسات و دریافت پیام های زبانی دیگران است بازی به برقراری ارتباط اجتماعی که اساس آن بر کنش زبانی و ارتباطی قرار دارد یاری می رساند فرصت های یادگیری مبتنی بر بازی سرشار از تجربه های زبانی است که در عمل به کودک کمک می کند تا به عنوان شرکت کننده ای فعال در موقعیت های ارتباطی درگیر شوند و از طریق کنش زبانی مناسب بر توانش زبانی خود بیفزایند بازی برنامه ای فرآیند محور فراهم می آورد و مهارت هایی



همچون مهارت‌های گفتاری کودک را ارتقا می‌بخشد همچنین بازی یادگیری را برای کودک لذت‌بخش می‌کند و انگیزه لازم را در وی برای زبان‌آموزی و کلا یادگیری آموزشگاهی فراهم می‌آورد.

پایزه در کتاب بازی و تقلید ملاک‌های زیر را برای شناخت بازی و جدا کردن آن از کار ورزش و سرگرمی پیشنهاد کرده‌است:

۱. بازی دارای هدف است سرگرمی هدف خاصی را دنبال نمی‌کند.
۲. بازی اختیاری است نه اجباری کار امری تقریباً اجباری است.
۳. بازی دل‌پذیر و خوشایند است از بین ورزش کار و سرگرمی فقط سرگرمی الزاماً دل‌پذیر و خوشایند است.
۴. بازی فاقد سازمان کار و ورزش سازماندهی دارد.
۵. بازی از قید کشاکش و پرخاش آزاد است کار و ورزش سرشار از کشاکش است.

اُمویک بازی‌های کودکان را به دو دسته زیر تقسیم کرده‌است:

- ۱- بازی‌های خودانگیخته ۲- بازی‌های برنامه‌ریزی شده
- بازی‌های خودانگیخته: از خواسته‌ها و تجربه‌های خود کودکان الهام می‌گیرد.
- بازی‌های برنامه‌ریزی شده: این قبیل بازی‌ها با توجه به ظرفیت رشد علاقه و تجربه کودکان به‌طور خاصی طراحی و ارائه می‌شود.

تفاوت بازی‌های فوق به میزان و ماهیت شرکت بزرگسالان بستگی دارد در بازی برنامه‌ریزی شده تعیین زمان مکان و تهیه وسایل بازی و زمان لازم برای استفاده از آن وسایل برعهده معلمان است.

اسپادک برای متمایز ساختن بازی‌ها دو مفهوم بازی آموزشی و بازی غیرآموزشی را پیشنهاد

کرده‌است بازی‌های آموزشی در درجه اول به دلیل داشتن هدف آموزشی و نه برای رضایت خاطر کودک مورد توجه قرار می‌گیرند وی بازی‌های آموزشی به چهار دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- بازی دستی
- ۲- بازی بدنی
- ۳- بازی نمایشی
- ۳- بازی سرگرم‌کننده

به‌طور کلی در مهد کودک و کودکستان بازی تقریباً همه برنامه‌های یاددهی یادگیری را دربرمی‌گیرد و تعلیم و تربیت از جمله برنامه زبان‌آموزی ضمن بازی هدف اصلی برنامه پیش از دبستان است.



امروزه متخصصان برنامه ریزی پی- زبانشناسی (PNL با تمرکز بر زبان ناخود آگاه (دیداری، شنیداری، تن-، لامسه، چشایی) از قصه های تمثیلی به عنوان ابزاری مؤثر در آموزش و تحول دریافت های انسانها از واقعیت بهره میبرند. ارجاع تمثیل عموماً داستانی واقعی یا تخیلی کمابیش بلند و اندیشیده است که با برقراری تداعی و پی آیند به مخاطب کمک می کند تغییری در وضعیت روحی و... فکری اش ایجاد کند. اما توجه به شرایط خاصی ضامن سودمندی حکایت تمثیلی است؛ چگونگی ساختن قصه ای مطابق با نیاز روحی و درونی مخاطب، نحوه بیان، نوع واژگان و تأثیر نقل قصه در قصه ناتمام جهت انگیزش همکاری ناخود آگاه مخاطب، همگی مضامین اصلی نوشتار حاضر را دربر می گیرند.

۶- اصل محوریت رویکرد ارتباطی در گزینش محتوا و روش های زبان آموزی

در مباحث گزینش محتوا و روش های زبان آموزی از سه رویکرد یاد شده است:

رویکرد دستوری: این پندار بر این فرض استوار است که لازمه برقراری ارتباط مؤثر از طریق هر زبان، تسلط کامل بر

قواعد صرفی نحوی آن زبان است در هر برنامه زبان آموزی که محتوای آن براساس رویکرد دستوری تنظیم شده باشد واحدهای یادگیری معمولاً حول یک یا چند ساخت صرفی یا نحوی متمرکز اند در این نوع برنامه نامه درس ها اغلب از نام ساخت دستوری مد نظر گرفته می شود مثلاً زمان حال یا جمع های زبان فارسی.

ایرادات رویکرد دستوری

مهم ترین ایراد رویکرد دستوری تاکید زیاد بر قواعد صرفی نحوی است و طرفداران آن این نکته را به فراموشی می سپارند که صورت های زبانی وسیله ای برای برقراری ارتباط هستند بدیهی است برای ارتباط زبانی کودکان به توانایی هایی بیش از تسلط به قواعد دستوری نیاز دارند.

رویکرد موقعیتی: بنابراین دیدگاه موقعیتی نسبت به زبان آموزی دیدگاهی است که در آن محیط فیزیکی که کلام در آن تولید می شود مهم ترین عامل به حساب می آید

ایرادات رویکرد موقعیتی ساده اندیشی است که اگر تصور کنیم مردم از جمله کودکان در هنگام کاربرد زبان فقط متکی به موقعیت فیزیکی موجود هستند؛ محتوای یک گفته را تعدادی عوامل زیرساختی مربوط به هم تعیین می کنند که محیط فیزیکی تنها یکی از آنهاست، مهم ترین ایراد رویکرد موقعیتی تاکید بیش از حد آن بر رابطه ای بیان محتوای گفته ها و محیط فیزیکی است.

رویکرد ارتباطی: این برنامه حقایق ارتباطی زبان را از همان آغاز مورد توجه قرار می دهد بدون آنکه عوامل دستوری و موقعیتی را نیز از نظر دور داشته باشد این دیدگاه به طور بالقوه بر رویکرد دستوری ارجح است چرا که باعث ایجاد نوعی توانش ارتباطی می شود و توجه آشکار آن به کاربردی زبان باعث حفظ انگیزه در کودکان خواهد شد از طرفی این رویکرد



نسبت به رویکرد موقعیتی نیز ارزش بیشتری دارد چراکه انواع نقش‌های زبان را در بر می‌گیرد نه فقط آن‌هایی را که مشخصاً در موقعیت‌های فیزیکی معین بکار می‌روند.

نتیجه‌گیری:

با بررسی اصول شش‌گانه‌ی اساسی و هدفه‌ی اصلی کلی نتیجه می‌گیریم باید کودک را از ابتدا درگیر آموزش نکنیم و به نیازهای فطری او پاسخ دهیم به عقیده ژان ژاک روسو «شاخه نودمیده یک درخت باید از سوی باغبان طبق اصولی بسته شود تا فرم و شکل مطلوب به خودش را بگیرد و متناسب با هدف تربیت شود؛ بهتر است از کودک حمایت کنیم خیلی تحت آموزش قرار ندهیم اجازه دهیم به صورت فطری کودکی کند.» بنابراین پرورش کودک با فرایند طبیعی رشد او باید تحقق یابد در این بین به آموزش به وسیله‌ی بازی و توجه به تفاوت‌های فردی کودکان باید اهمیت دهیم. توجه کنیم که ما کودک را از یک بعد پرورش نمی‌دهیم و به رشد همه‌جانبه‌ی او اعم از رشد شناختی ذهنی، عاطفی، رشد روانی-حرکتی و... باید بپردازیم. وقتی با برنامه انعطاف پذیر، کودک با فرهنگ و دین آشنا شد او را به استفاده از زبان فارسی تشویق کنیم. بدیهی است عمل به اصول ششگانه حاکم بر برنامه زبان‌آموزی پیش از دبستان که مفصل بحث کردیم ما را در رسیدن به این مهم یاری خواهد کرد.

منابع:

- زندگی، بهمن. (۱۳۹۶). زبان‌آموزی. تهران: انتشارات سمت
- بنتهام، سوزان. (۱۳۹۷). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات رشد
- بیرجندی، پرویز. (۱۳۷۳)، عوامل بیولوژیکی در فراگیری زبان، مجموعه مقالات دومین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۸) اندازه‌گیری و ارزشیابی تحصیلی، تهران آگاه
- مفیدی، فرخنده. (۱۳۸۸). بتول، سبزه. (۱۳۸۸). تاثیر فعالی‌های زبان‌آموزی دوره‌ی پیش‌دبستانی بر رشد زبان‌گفتاری دانش‌آموزان پایه اول دوره‌ی ابتدایی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- بازرگان، سیمین. (۱۳۷۹)، برنامه ریزی درسی چند بعدی تولید و کاربرد مواد آموزشی برای پیش از دبستان، مجموعه مقالات رشد آموزش ابتدایی، تهران: دفتر انتشارات کمک آموزشی
- نعمتی، زهره. نعیمی، امین. فلاح، محمد حسین. (۱۳۹۴). تاثیر روش ایفای نقش در فرآیند آموزش کاربردشناسی زبان، همایش ملی زبان، ادبیات و ترجمه در آموزش و پرورش، میبد: دانشگاه آزاد اسلامی یزد